

در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقدامات بسیار بیشتری باید صورت گیرد برای مثال به موضوع تدارک پرداخت سوسپدهای بالا به تولید داخلی ذغال توجه کنید. در آلمان غربی برای مثال، سیاست ملی بر این نکته تأکید دارد که نسبت اعظم ذغال مصرفی برای تولید بخار باید داخلی باشد. در سال ۱۹۸۲ هزینه تحویل این نوع ذغال به مؤسسات آلمانی حدود ۷۵۰ پیش از ذغال وارداتی بود. این تفاوت قیمت در حال حاضر که قیمت های بین المللی ذغال و سوخت نفتی بسیار روانتر است، حتی بیشتر می باشد و به این ترتیب سوسپدها پنجره فرایند ای بیشتر می گردد. هم مصرف کنندگان آلمانی و هم صادر کنندگان ذغال در خارج از آلمان، قانون این برنامه را می پذیرند.

آلمان یک مورد منحصر بفرد نیست. ژاپن، فرانسه، بریتانیا، بلژیک و اسپانیا نیز به تولید سوسپده می دهند و مابغ تجارت ذغال می دهند. از این بین برین موضوع موجود تجارت ذغال و پرخرج از ایجاد مواضع جدید در بهره برداری کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از دستاوردهای کارائی تجارت، برای رقابت موثر صنایع انرژی این کشورها با قیمت های ارزان نفتی، اهمیت دارد.

دولت با باید چارچوب سیاسی مناسب اتخاذ کنند اما این سمت انرژی است که باید نقش سووری در تطابق با قیمت های پایین را داشته باشد. در ایالات متحده شرکت های با توان رفاهی اندک معیور بودند اما هزینه را کم کنند و با فعالیت خود را پایان بخشند. قیمت های روبرو سلطه نفت بر تمام اجزاء صنعت نفت و گاز از اکتشاف و حمل و نقل تا تصفیه و بارگیری فشار می آورد نتیجه نهایی پدیدایش یک بخش کارآمدتر و کم هزینه تر است. برای مثال فشارهای راهپایی منجر به ۲۳٪ کاهش در هزینه های حفاری بین سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ شد. است. برآوردی اولیه حاکی از آنست که هزینه ها در سال جاری ۱۸٪ دیگر کاهش خواهد یافت. این فشارها افزایش خواهد یافت و بهبود کارایی در سایر صنایع انرژی را ایجاد خواهد کرد. ستازگاری یا اصول سایر بازار رفاهی تر در نگاه خواهد بود. محتمل است، این ستازگاری مزایای اقتصادی گسترده ای خواهد داشت و نه تنها به پدیدایش یک صنعت انرژی فری و تری و پویاتر منجر خواهد شد.

در پایان اجازه بدیعه بطور اجمالی موضوع همکاری تولید کنندگان و مصرف کنندگان را مطرح کنیم. عده ای اصرار کرده اند که دولت های ایالات متحده و سایر ملل اصلی وارد کننده نفت به تلافی دولت های صادر کننده نفت برای تعیین قیمت و تثبیت بازار نفت بیبرینند. ما هیچ مللی برای پذیرش این پیشنهادها نمی بینیم.

تعیین خط واقعی و مصنوعی، در سطوح قیمت تولید یا مصرف، نظمه سلطه بین سطح را در هر دو کشور می پوردد.

**گوشتهای گذشته در کنترل بازار هوادان اصلی**  
مشکلاتی است که امروزه کشورهای تولید کننده در حده بجا نبره می کنند. اگر دولت های وارد کننده و صادر کننده مشترکاً سعی در کنترل بازار بین المللی نفت داشته باشند این مشکلات کفها اندام یافته و احتمالاً تشدید خواهد شد. کارلر ما در زمان تشکیل خود، هم در زمان هاشم طرف سویری استقلال و بی نایمی رهنی مسئولیت های دولت سویری تعیین قیمت نفت به بی نایمی بیشتر قیمت های منجر خواهد شد. این امر با سرافراز از اینکه ای کشورش برای تثبیت قیمت با هم وسیله دولت کشورهای تولید کننده، سربست است. ما حیرت به اندام هم صورت گیرد. صحیح است. بازار های با استقلال بیشتر، قابلیت ستازگاری و قدرت رقابت بیشتر بپذیرن هم مکتسب حمایت از ثابت در اقتصاد و انرژی جهانی است و به همین علت می توانیم دید همکاری پس از مسیح سن مرتبه مسکن و مصرف کنندگان انرژی خواهد باشد.

# دورنمایی از تحولات تقاضا و بهای نفت در دهه ۱۹۹۰

## نفت و بازار بین المللی انرژی

### در آغاز آخرین دهه قرن

پس از وقوع بحران کاهش قیمتی نفت در سال ۱۹۸۶ میلادی، اینکه با گذشت حدود نهم ماه از سال منتهی جولای به لحاظ عوامل سیاسی - اقتصادی گوناگون تحولات نسبی در بازارهای جهانی نفت حاکم شده و متوسط بهای هر بشکه نفت خام از یک به حد تعیین شده در اجلاس نشست سال ۱۹۸۶ بین سازمان ها رسیده است. در حال حاضر دو سؤال عمده در ارتباط با بازار نفت در محافل نفتی دنیا مطرح است: اول اینکه آیا بهای نفت در سطح

(حمایت از صنعت ذغال) ممکن است موجب کاهش دامنه این اثر شود. قیمت های نازل نفت در درازمدت، موجب بسط تقاضا از طریق عملکرد اثرات جایگزینی و درآمد خواهد شد. براساس فرضی پیمان برین بیسی، سال ۱۹۹۰ تا چهار میلیون بشکه در تقاضای نفت تا سال ۱۹۹۰ سه تا چهار میلیون بشکه در روز (در اثر استفاده از نفت بجهای سوخت های دیگر) و یک میلیون بشکه در روز (در اثر افزایش تولید ناخالص ملی کشورها) خواهد بود.

براساس یک نظر بین بنیانه تر درباره، کاهش قیمت ها و تقاضای میزان این افزایش در حد دو تا سه میلیون بشکه در روز در اثر جایگزینی به دوخته میلیون بشکه در روز بر اثر درآمد خواهد بود. بنین ترتیب افزایش تقاضا تا سال

شود. شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال جامع علوم انسانی

فشار دوگانه بر تولید نفت ولو یکچه که ناشی از کاهش تقاضای برای نفت در سطح جهان و رشد سریع صادرات نفت کشورهای خارج از اروپا است. مانع از آن می شود که اروپا بتواند تقاضای در زمینه قیمت فیما بین کشورهای تولید کننده نفت، حاصل این تحولات می باشد. با توجه به فقدان عواملی در زمینه تولید قیمت ها در میان مدت سیر نزولی خود را به سوی هزینه های نهایی استخراج ادامه خواهد داد. و در این رهنج، نوساناتی بسیار نامنظم را محتمل خواهد شد. هیچگونه عامل تثبیت کننده قابل اعتماد و خودگردانی نیز برای ثبات قیمتها در کوتاه مدت وجود ندارد.

قیمت های نازل نفت (پارادوکس) می تواند به سرعت موجب جایگزینی نفت کشورها به سوی هاشم مسکن در نورنگه ها فراهم آورد. ما احتمال، عوامل سیاسی و نهایی

۱۹۹۰. علاوه بر گروه کارشناسی که انتظام اوضاع در مریات مزبور، بدون کاهش قیمت برود (ایلیومینوم) بشکله در روز) است حداقل سه میلیون بشکه تا حداکثر ۵ میلیون بشکه خواهد بود.

به کار پهن عرضه وارهانی در نفت (۲) در آمریکا و ایالتی می مستقیم آمریکا در سایر کشورهای خلیج مستزاد مستگیر می اقتصادی و توسعه به حد امکان برای است. چنانچه عرضه ماهیانه در کشورهای صادره وارد است که به کار بسته شود افزایش تقاضای برای نفت تا سال ۱۹۹۰ به حداقل از ۲ تا سه میلیون بشکه تهنیز نخواهد کرد.

انتظار می رود صادرات نفت کشورهای خارج از سازمان کشورهای صادر کننده نفت لوپیک تا یک میلیون بشکه در سال ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ افزایش یافته باشد. کاهش قیمت نفت از آفریقا در عرضه نفت کشورهای خارج از نفت لوپیک بهر اندازه نادره به کارگیری عرضه این چشم انداز عرضه نفت را تغییر نخواهد داد. صادرات نفت کشورهای خارج از نفت لوپیک سکن تا یک میلیون بشکه کمتر از میزان آن در سال ۱۹۹۰ باشد و این به صورتی است که قیمت ها همچنان پایین باقی بماند و کشورهای مصرف کنندگان افزایش وارداتی می خواهد کرد. مریات با توجه به مسائل فوق تانج صد این بحث به قرار زیر است:

اگر اروپا و آمریکا جمعهای نفت را از طریق وضع مالیات افزایش دهند و زاین به چنین اقدامی متوسل نشود، انعقاد زاین به مزیتی نسبی در مقابل این کشورها دست خواهد یافت.

(الف) - استراتژی قیمت زاین نفت سکن دست در میان برای لوپیک گران تمام شد. زاین کاهش قیمت زاین نفت ایستهای زاین نشانه از طریق افزایش میزان تقاضا و کاهش عرضه نفت کشورهای خارج از نفت لوپیک تا اوایل دهه ۱۹۹۰ چهره نخواهد داد.

(ب) - استراتژی مربوط به رساندن قیمت نفت به سطحی بین ۲۲ تا ۲۵ دلار، کمترین چالش را خواهد داشت زیرا معضلت زاین درآمد بود و باعث فراهم آوردن منبع تکنولوژی برای افزایش تقاضای نفت می شود.

(ج) - کشورهای خارج از نفت لوپیک و آن دسته از کشورهای صادره نفت که سیاست به حداکثر رساندن تولید را مدعی می شوند یعنی از همه از استراتژی قیمت زاین نفت محصل زیاد خواهد شد و زاین تقاضای نفتی از قیمت زاین نفت را افزایش های آن در تولید تعدیل نخواهد کرد.

۱- ریشه ها و عوامل سقوط قیمتهای نفت سقوط قیمتهای نفت در بازههای فروش تک مسدود و مدت های به در خصوص نفت خام در نروژ اتفاق نشی حاصل صورت. انحصاری و باخفازی همین است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و از ابتدای صفر تا به طور اساسی تغییر داده است. تا جایی که اجمالی این تحولات مهم را که ممکن است بر بازارهای امور مربوط به انرژی برآورد باشد در نظر گرفتیم.

نفت آن در که در سال ۱۹۷۹ مصرف نفت رو به کاهش گذارد و سایر زوئی آن طی سالهای منتهی ادامه یافت. این با بنده در اقیانوس در مصرفی در زاین توجه سکن در آن زمان مصرف مساع قطع صدور و افزایش تقاضای برای نفت تلاب ایران بود. در چند افزایش قیمت در سالهای

۱۹۷۸-۱۹۷۹ موجب کاهش تقاضا شد ولی به تدریج کاهش قیمتها در سالهای بعد کمک کرد زیرا این افزایش تکنولوژی های تازه ای در زمینه عرضه جانی و جایگزینی گاز و تقاضای سنگ های نفت به وجود آورد.

درم افکند. در نیمه دهه ۱۹۷۰ کشورهایی قابل ملاحظه صدور نفت کشورهای خارج از سازمان کشورهای صادر کننده نفت لوپیک آغاز شد و تاکنون شاهد عرضه نفت این افزایش تا حدودی ناشی از ظهور مجدد نفت سکن به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای نفتی شمال و تا حدودی نیز به یورپی و افزایش ذخایر نفت دریای شمال و تا حدودی نیز در نروجه باقیمانده نفتی. سایر کشورهای نفتی که در طرفی شمال نفت سکن تولید می کنند تا افزایش تقاضای در سطح جهان رفت و آمد و تولید نفت لوپیک با کاهش تقاضای در سطح جهانی رفت و آمد و تولید نفت کشورهای خارج از نفت لوپیک معروض شده با ظهور یک سگ جدید کشورهای خارج از نفت لوپیک. بین سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۵ حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد کاهش یافت.

دلیل نرول نظام کینه واکلوری فعالیتها در منطقه نفت لوپیک (۲) که به تدریج به چندان بارز در اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و تا سال ۱۹۹۰ تکمیل شد. مصرف بازار نفت را افزایش داد و تقاضای نفت را در سطح بین المللی مینماید. در صورتی که در طرفی شمال تقاضای نفتی می شد و در سطح معمول از طریق صادراتی در کشورهای که به طور مستمر در یکدیگر

در صورت به کارگیری تعرفه و مالیات نسبت به نفت وارداتی کشورهای صنعتی، احتمالا کاهش بهای نفت تقاضایی آنها را بیش از ۲ میلیون بشکه افزایش نخواهد داد.

اندکام شده و عرضه برآیند بیشتر از میزان عرضه سوخت در بازارهای خارجی عرضه می شد. این بازارها شامل سایر کشورهای در خارج از نفت لوپیک و همچنین نفت کشورهای تولید کننده نفت (کشورهای بزرگ و کوچک نفت خام) و کشورهای نفتی بزرگ و سایر

اول سیستم قیمتهای صادرات در منطقه نفت سکن با پیدایش نفت دریای شمال، یعنی عرضه نفتی زاین نفت است. یک سیستم رقابتی و سرمایه گذاری در نفت سکن به نفع نفت دریای شمال سطح صادراتی در کشورهای خارج از نفت سکن افزایش یافته است. مهم سیار زاین نفت سکن، یعنی نفت سکن، به صورت نوک مسئله نورفورد این است. اندک، از نمایانگر کلی عوامل مالی و همچنین نقش حاکم امنیت کشورهای است که تقاضای در صادرات تا سرحد در شمال اروپا زاین می باشد.

روابط حلقه شرایط موجودیت قیمت صنعت نفت در آمریکا که در اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط دولت ریگان به انجام رسید. افزایش قیمت نفت در بازههای گذشته ای نفت سکن در این کشور و بازههای نفتی است. استحکام قیمت معاملات نفت و نسبه در زمینه نفت سکن توسط نگرانی اینترنتیست. اتفاقا شدت تحت تاثیر معاملات در زمینه نفت خام مرتبط و با همگی قرار دارد. براساس عملکرد نفت زاین صادرات در شرایط بازار نفت آمریکا اکنون به بازههای نفت خام افزایش صادرات و تولید فروش نفت سکن می باشد. به طور خلاصه ویژگی اوضاع نفتی در زمینه نفت سکن بین عرضه باخفازی و تقاضای واقعی برای نفت از طریق خارج کردن معاملات نفتی که شرایط اقتصادی در بازههای برای و کاهش قیمت نفت است.

ایده عدم سرزدی عرضه و تقاضا در گذشته و در حال

فرد اعتبارات حاکم قیمت برده است ولی این عدم سرزدی در مقابل از طریق قیمتهای نفت کشورهای مریات آنرا چلنی می دهد. نسبت به سایر اقتصادها و ساختار بازرگانی این صنعت در آمریکا با نقد می سبقت که تقاضای تقریبا ثابت در میزان استخراج از عرضه های وارد نفت خود در ظاهر، ساخته است. به این نسبت باقیمانده باقیمانده در عرضه نفتی، که می توانیم آن را مصرف لوپیک باقیمانده در نفتی، یعنی باقی مانده، و تقاضای واقعی برای نفت از طریق کشورهای صادر نفتی شمال گران کند. در سطح کامل نفتی سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ مشهوره چلنی می شد. عملکرد شرکتی نفتی نفتی در حدود ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ در عملکرد نفتی باقی مانده بود. قیمت نفت که در اواخر دهه های نفتی باقی مانده ثابت باشد این عملکرد، چهره دیگری داشته نرومان قیمت را در بازههای آژده محدود می نمایند.

امروز وضع اساسا متفاوت است. نرتهای عرضه نفتی دولت است به سبب تغییر بهای در اوضاع اقتصادی. قیمت نفتی در اروپا در زمینه قیمت از دست داده است. لوپیک که در دهه ۱۹۷۰ بازرگاری از شرکتی نفتی نرومان گرفته، شرکت خود را در قیمت بازار اخیر می بیند. این که این اوضاع و احوال صورت است با چه گزارش و اگر صورت است این برای لوپیک (یا در سازمان نفتی دیگر) از صادر کننده نفت است. این طبقه ماهیانه اکثر، از قیمت سکن باقی خواهد بود یا غیر، ستراقی بسیار پیچیده است. تقاضای که عدم تعاضی بین عرضه و تقاضای نفت کشورهای تولید کننده نفت است. نرتهای بر سر یک سیستم تنظیم کنندهی تولید به توافق رسیده قیمتهای نفت که امکان در میان مدت به سوی عرضه های نهایی استخراج رو به کاهش خواهد گذارد و به طور منطبق حول این بازههای فروش تک مصرفه فروشی در نظر در نرومان خواهد بود.

قیمت نسبت که ما امروز با اوضاع احوالی نفتی از سقوط قیمتهای نفت در بازههای قیمتهای نفتی ابات و مستزاد سایر قیمتهای نفتی که نقطه نظر این گزارش، فرض کنیم در دهه های گذشته نفتی و کندی، عوامل قیمتهای مربوط به چهار دهه اخیر عبارتند از: بررسی تحولات این انرژی در جهت چهره قیمتهای ناخواسته نفت نمایند آن که کاهش قیمت انرژی از مسائل بهایی، برآوردی اثرات این تغییرات تقاضای برای نفت عرضه نفت خارج از نفت سکن و سیاست صنعت نفت چلنی به نظر آید.

### ۲- کاهش قیمت های نفت و تقاضای برای آن

قیمتهای پایین نفت، می تواند موجب جلوگیری نفت کرد و به جای تقاضای سنگ در نرتهای قیمتهای موجود به سبب عدم سرزد و تغییر قیمتهای نفتی که در سطح کامل نفت می کند به شرایط تولید برق اضافی ملزم - قید امروز تقاضای نفتی در بازار آزاد و درجه به تقاضای تقاضای که در زمینه حرارت زاین صادره دولت نفتی تقاضای مربوط به عرضه مساع و تقاضای حدود تقاضای برای مرتب می باشد. تقاضای نفتی در این کشور در آن حد، صادرات است. این بدان معنا است که تقاضای نفتی در نرومان نرتهای کارخانه های صنعتی که با انرژی بخار نفت می کنند، در صورتی که بهای نفت در زمانی آن از حد تقاضای برای یک شرکت سبب کند جایگزینی نفت شود. یعنی تقاضای نرومان استفاده که با این قیمت، امکان جایگزینی نفت به جای نفت. حتی در نرتهای نفت رو به عرضه در منطقه سازمان صنعتی اقتصادی توسعه که در آن سبب تقاضای موجود به سبب استراتژی قیمت سکن - قیمت رو به زود به طریقی آنها این میزان صادرات نفت که گرفته می شود و چنین استفاده می کند که جایگزینی

نات کوره به پای ذغال می تواند به سرعت قیمتهای نفت ظلم را، بدون هیچگونه مناقشه خارجی، در حدود هفتاد تا هشتاد دلار برای هر بشکه تثبیت نماید.

اگر چنین نظری صحیح می بود این سیستم خود را در قیمتهای با تقلبات اندک با قیمتهای نفت خام در بازارهای آزاد تک محصوره در اولتر ژاپریه و اولویل فوریه ۱۹۸۶ تعیین می نمود با این حال، لازم به یادآوری است که سرعت این عملیات در بدین گونه زمان مورد نیاز برای آن که این مفروضهها صورت پذیرد بیشتر بر پیش پای قیمت متکس است تا سطح قیمتها در هر زمان ضمن تعدیل در کوتاه مدت با انتظارات دراز مدت در مورد تغییرات قیمت ارتباط دارد چنانچه بحران قیمت نفت چنان نوسان صورت نفعی شود، هیچگونه اقدامی در زمینه جایگزینی ذغال راکت بجای نفت بدون توجه به مزایای کوتاه مدت بک چنین روشی به عمل نمی آید.

آیا این الزام می توان انتظار یک جایگزینی گسترده را بر اثر تنزل قیمت نفت در کوتاه مدت داشت؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است به اجناس نظری بر اوضاع در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه یا افکتیو در فرانسه سوختن شرکت بقی فرانسه ۳۳۰ بورد لیسیر قیمتهای نفت در جهت جایگزینی این سوخت تغییر می یابد. هیچگونه منبع سیاسی با افادی علیه بک چنین اقدامی وجود ندارد طرف چند ماه، نفت می تواند جایگزین ذغال شود و موجب پیمایش تقاضای تازه ای برای چهار میلیون تن نفت باشد در ایتالیا، ذغال بسیار گران برای تولید برق صرف می شود و موضوع جایگزینی ذغال با نفت فی الواقع مطرح نیست. در آلمان صنعت ذغال با گاز مقدس سیاسی است. جایگزینی ذغال با نفت ممکن است تا حدودی صورت گیرد ولی تغییر مهمی در این زمینه، احتمالاً مواجه با مسائل و مناقشه سیاسی خواهد شد. در بریتانیا چشم انداز جایگزینی نفت کوره حائز اهمیت است اما اداره مرکزی تولید برق صنعت ممکن است سرپوشه مذاکره را در اذهانی که با اداره ملی ذغال سنگ ۳۳۰ دارد از قزاقی هم چنانی برخوردار نماید اثرات مالی و سیاسی قیمت سوخت می تواند منابع درازین حمل شود در ایالات متحده، گران می رود که باید قیمتهای نفت خام به زیر بشکه ای بپازد دلار شرط کند تا نفت کوره قابل رقابت با ذغال باشد.

بنا بر این، تصویر کلی مهم و نامطمئن است زیرا جایگزینی نفت کوره ممکن است در اثر محدودیتهای سیاسی و فزونی در برخی از این کشورها دچار تأخیر شود. علاوه بر بعضی از کارخانگان صنایع ترانس می سازند که ذغال سنگ آفریقای جنوبی فوق العاده آرزو است و می تواند با نفت کوره، در قیمتهای نازل و در هر زمان گرانتر باشد. در آمریکا، نفت کوره نیز حاضر نشانی می کند قیمتهای سوخت جایگزین نفت - یعنی گاز و ذغال - نیز در برابر سطوح قیمتهای نفت تنزل می یابد.

اگر این گونه مدت قیمتهای نفت در میزان تقاضا برای این ماده سوختی، ممکن است از افزایش سوختن، بترین، که ناشی از قیمتهای پایین تر نفت است، حاصل شود و یا زایدی می آید، این امر بر حسب شرایط، به پاسخ به پیش بینی ردد در بخش فرمولاسیون برسد.

احتمالاً در سال جاری مصرف بترین به دلایلی که در پیشه به قیمت تمام شده افزایش می یابد، برای مثال تغییرات در الگوهای گزین تطبیقات در آمریکا ظرف دوازده ماه جاری، این افزایش صرف تعویق درونی است که تا سال گذشته آغاز شده است. کاهش بهای نفت برای ایجاد این اثر کوتاه مدت و باقیمانده اقتصادی، از این منظر، با تأیید به نظر نمی رسد. رشد تولید در زمینه رومیسول، و در آن که محتمل باشد، تأثیر بسیار چشمگیری در کوتاه مدت بر جای گذارد. بلافاصله لازم که در کوتاه مدت (تسکین) با روش مدرن، ممکن است چندان پیشگیری در صنایع وارد به تقاضا به وجود می آید ولی نباید انتظار زیادی از آن داشت.



زیادی در باره تعرفه ها و مالیاتها به گوش می رسد گروه های فشار به نفع وضع کردن تعرفه وارداتی در فعالیت مستعد و گروه های فشار دیگری نیز هستند که خود را معتمد به داد و ستد آزاد در زمینه انرژی به گونه ای می خرا از گروه معاند دولت می دانند. اکنون بیش از سال ۱۹۸۵، وضع تعرفه بر واردات نفت محتمل به نظر می رسد و دلیل روشن آن این است که مساله کسری بودجه بیش از پیش حاد شده است و دولت به شدت برای باقی بماندن منبع فراموش سهل و سوسه می شود. علیرغم تعهد سیاست آمریکا نسبت به داد و ستد آزاد انرژی، مناقشه مربوط به تأمین درآمد برای دولت ممکن است کارگزار باشد این بدان معنی نیست که وضع تعرفه وارداتی (یا مالیات از هر نوع) بک مساله قطعی است و امکانی هاله ای از عدم اطمینان در باره این مساله وجود دارد.

جامعه اقتصادی اروپا توافق در باره بک تعرفه مشرف خارج می دهد و این سنت وارداتی (یا انرژی) مشکل خواهد باشد، بک چنین اقدامی، به توافق کلیه کشورهای عضو نیز دارد و علاقی آنها در این مورد آن قدر گرانگون است که رسیدن به هر گونه تصمیم مشخص در سطح می سازد با این حال، دولت می توانست مالیاتهای غیرمستقیم بر تولیدات نفتی (اولر) نرخ های متفاوت) به شکل مسئله از بیکرگه وضع نمایند. این مسیری است که دولت های اروپایی احتمالاً دنبال می کنند و اهداف اعلام شده آنها شامل برنامه های آستانه در زمینه ضرورت دولت مدتهاست منابع و کسبهای انرژی و کاهش وابستگی بر نفت وارداتی است. البته انگیزه ای در دولت های اروپایی کسب درآمد نیز چنانچه خواهد بود و در این میان ضرورت حمایت از صنعت ذغال در آلمان، یا به عنوان کلی حمایت از انرژی کشورهای دیگر، نقش ای باثباتی خواهد کرد.

احتمال نمی رود ژاپن سیستم مالی با تعرفه ای خود را در برابر قیمتهای کمتر نفت تغییر دهد چنانچه کشورهای جامعه اقتصادی اروپا و آمریکا از وضعی نفت در از طریق وضع مالیات افزایش دهند و ژاپن به چنین اقدامی متوسل شود ژاپن به مزیتی نسبی در مقابل این کشورها دست نخواهد یافت. حاصل کلام آن که قیمتهای پایین تر نفت به افزایش

تولیدی نیست که قیمتهای نازلتر نفت به احتمال بیشتر موجب دامن زدن به تقاضا در بخش طولانی تر یعنی با گذشت سه تا چهار سال - و نه در آینده ای نزدیک - خواهد شد. سؤال جالب این است که کنترل بهای نفت چگونه و تا چه حد بر افزایش تقاضای فائزر خواهد گذارد؟ برای بررسی این مسائل می بایست فرض کرد که قیمت های نفت به سطحی خاص امضای بین بازده تا حدود فلان برای بک شبکه کاهش می یابد و کسری بودجه باقیمانده طولانی ثابت می ماند. همچنین می بایست فرض کرد که مزایای بهای پایین تر نفت برای مصرف کنندگان نهایی، از طریق تعرفه یا مالیاتهای اضافی خفنی نمی شود. این فرضیات، برای تصریح تحلیل انجام می باشد و بنابراین نظرات ما درباره تحولات احتمالی نیست.

کاهش قیمتهای نفت به میزان چهل درصد نسبت به سطح قیمت ها در سال ۱۹۸۵ می تواند موجب افزایش تقاضا برای نفت تا سال ۱۹۹۰ به میزان بین سه تا چهار میلیون بشکه در روز بخاطر اثر جایگزینی، بک میلیون بشکه دیگر در روز به سبب تأثیر قیمت بر رشد تولید ناخالصی جهان - به موجب تحلیل حلقی کارخانگان خودی نیز شود. کاهش بهای نفت به میزان چهل درصد، کنترل انرژی اساسی و دلار و نیز کاهش ارزش مبادله ای دلار و بر پیمان بر ژاپن و انرژی آمریکا می تواند امکان پذیر می شود، اگر فرض کنیم که کاهش قیمتهای نفت به میزان نسبی از آنچه متناظر به فراز طولی رو به شیب باشد اثر جایگزینی بر تقاضای نفت یعنی از هر تا سه میلیون بشکه در روز نخواهد بود.

بر این افزایش تقاضا، می بایست روزانه دو میلیون بشکه اضافی را که انتظار می رود در صورت تثبیت قیمتهای نفت در سطحی بین ۲۷ تا ۲۸ دلار تا سال ۱۹۹۰ به تقاضای جهانی افزوده شود نیز در نظر داشت. بطور خلاصه، قیمتهای نازلتر نفت، حاکم می تواند موجب افزایش پنج میلیون بشکه و حداقل سه میلیون بشکه در روز می بریزد که انتظار می رود تقاضای نفت در سال ۱۹۹۰ به آن رسید شود. تفاوت بخشگیری میان روش های قبلی این دامنه وجود دارد اما در هر دو این مساله، تأثیرات وارداتی نامعلوم کلام چنین است صنعت تعرفه های اروپا و آمریکا تا حدی غیرمستقیم، که برای مدتی کمتر کاهش شده بود، اکنون می بایست در نظر گرفته شود در آمریکا حمایت های

خفیف تقاضا در کوتاه مدت می انجامد و بنابر پیشگویی  
بر شد تقاضا در میان مدت، موزونمت، چشمه نیروهای  
اتصالیه بدون مناسلات سیاسی و مالی عمل کنند منتهی  
خراندند منصفه ریخی از کشورها حاصل در معدهای از  
کشورهای عضو سازمان همکاری توسعه و توسعه  
مستقل به نظر می آید و می توان نتیجه گرفت که تأثیرات  
مرازدت تقاضا خشی خواهد شد تزلزلهای منتهی نفت در  
صورت وقوع کزن تهره و مالیات، ممکن است موجب  
افزایش پیش از دو تا سه ساله باشد به سطح مستقل  
تقاضا برای نفت در سال ۱۹۹۰ شود.

### ۳- قیمتهای پائین نفت و عرضه‌ی نفت کشورهای خارج از اوپک:

قیمتهای پایین نفت، موجب بسته شدن آن من  
چهارمین نفت آمریکا که بهره‌براری از آنها دیگر مفرود به  
نیخواهد بود، می شود و برای این چندان آبی در کشورهای  
دیگر برای نیخواهد گذارد. در واقع ریخی از کشورهای ممکن  
است با افزایش تولیدات خود از منابع مشترک به منظور  
بهره جریان نقدینگی، در برابر چنین وضعی واکنش نشان  
دهند. (بهشی از ناظران بر این باورند که ممکن است خلاف  
این امر رود و در شرکتها تولید را متوقف و با کاهش  
تولایش، حجه قیمت بمانند هزینه‌های تولید نفت در بیشتر  
مناطق جهان (خارج از آمریکا) و حتی در دریای شمال - که  
نورده قیمت تولید نفت انگلیس و نروژ را با کمتر از یک‌سایه  
۵ دلار می‌تواند بیفتد - پائین است.  
برحسب سیمت که ریخی از کشورهای کوچک نفتی به  
سبب مسائل مربوط به جریان نقدینگی ناشی از دیون آنها به  
بانکها و بیلباتی هنگفت مالیاتی، با کاهش تولیدکننده  
نیرو خواهد بود و در کشورهای دیگر و شرکتها که در کشورهای  
توسعه‌گرفته و در بیشتر موارد تنها به تعیین مالکیت  
اموال نفتی خواهد شد.

در سطح جهانی بازدهی برای هر یک شفته نفت  
است تولید نفت چهارپایه ریختر از آمریکا متوقف و تعداد  
مسدود ساز بشکه در روز از تولید نفت این کشور کاهش  
در سطح قیمت دلار برای هر بشکه، بین هفتصد تا هشتصد  
فازر بشکه در روز. با فرض آن که تولیدهای برت اولی  
خود شروع از تولید نفت آمریکا کاهش خواهد شد. در سنت  
رضخ تولید، می تواند بر مبرای آن به تا چهار ماه بیشتر  
سریع باشد. با این وصف، چنین میزان کاهش در تولید  
به خوبی خود صنعت است تولید آمریکا را بر آن دارد که برای  
حفاظت از قیمت نفت داخلی، تهره‌ای در نفت وارداتی  
و هر چه شدید تهره‌ای، با مانع از کاهش قیمت نفت وارداتی  
در بازار آمریکا به سطحی پایین از حد ما می‌باشد.  
برای هر یک شفته تولید، کلیه این اثرات خاص عرضه‌ی ایران  
نفت را پوشش خواهد کرد.

در مورد اثرات در دسترس است. تهره، نفت، ممکن  
استخراجهای بزرگتری مخره دوم و سوم در راه کاهش  
دفع محاسبه که چنین اثری دشوار است ولی کمتر کردی  
از آن به میان می آید و هر صورت اشاره به آن حق مطلب ادا  
نمی‌شود.  
قیمتهای پائین نفت در امر اکتشاف و استخراج  
خوزه‌های تازه‌ی نفتی تاثیر خواهد گذارد و بدین گونه  
تولید نفتی پس از سال ۱۹۹۰ در بیشتر مناطق جهان  
- و شاید پیش از سال ۱۹۹۰ در آمریکا - کاهش می‌پذیرد و  
تولید به سرعت با کاهش میزان اکتشاف و استخراج تقابل  
می‌یابد.

تاثیرات منفی قیمتهای کمتر نفت بر سرمایه‌گذاری در این  
زمینه، عمدتاً به عوامل زیر است:  
(الف) - قیمتهای کمتر نفت، صورتحساب موجودی  
وامر بازمانده‌ی تغییر داده و بین ترجیح لزومی دارندهای  
شرکتها را نسبت به پهنه‌های نفتی کم کرده و (ب) در مقابل  
علائق سایر عوامل از جمله، شرکتها به اعتبار می‌کند و  
شاید شرکتها برای این کار کاهش بیشتر سرمایه‌های  
خود - حتی آن دسته از اقلام که قبلاً برای سال ۱۹۸۶  
۱۹۸۷ قیمت‌های شده - نمانند.

### ✳ در صورتی که نفت خام با قیمت‌های بین ۱۵ تا ۱۸ دلار معامله شود امکان جایگزینی آن در نیروگاههایی که با ذغال کار می‌کنند وجود دارد.

### ✳ برای جامعه اقتصادی اروپا توافق در باره یک تعرفه مشترک خاصه برای نفت وارداتی مشکل است. زیرا علائق این کشورها در این مورد متنوع است.

(ب) - شرکتها یزرگ و سوسه خواهد شد که پهنی از  
منابع نفتی خود را برای بر طرف‌رسانی‌هایی که به وسیله‌های  
کم فاسس تر آنها واکنش می‌شود اختصاص دهند. آنها تولید  
نفت خود را با دستیابی به منابع مبروره افزایش خواهند داد و  
پس حصول آن از طریق کاهش هزینه‌ی سرمایه‌گذاری  
برای کشف ذخایر تازه صورت می‌گیرد.

(ج) - سرمایه‌گذاران ممکن است به این فکر باشند که  
هزینه‌های سرمایه‌گذاری تازه در مناطق غربی دریای شمال  
با قیمت نفت پائین با قیمتهای کفونی قابل توجه باشد و باید  
طرحی خود را برای بهره‌براری از جاهای بخرن به  
ناشر اشتباهه یا حتی کنار گذارند.

احتمال این مناسلات نباید دست کم گرفته شود ولی این  
بازر که آنها تنها عوامل تعیین کننده در سرمایه‌گیری  
پایمون سرمایه‌گذاری هستند نیز شایسته است. شرکتها  
سنگین را این نظریه را که بشتر استوارت واردات و  
زمنه تقاضا برای نفت، اعلام کردند. چنین منابع اضافی نفت  
در صورتی می‌سازد با آن که قیمتها در دهه ۱۹۹۰ افزایش  
خواهد شد و در نتیجه رشایت باخشی را برای سرمایه  
گذار، برای مخرج سرمایه‌های قابل توجه خواهد داد. بهرینتره اگر  
این نظرات به قدر کافی شایع شود و حتی بانکداران نیز در  
این مورد اتفاق نظر بمانند، سرمایه لازم بهینتر خواهد شد و  
سرمایه‌گذاران ادامه خواهد یافت. چنانچه در این متن  
پایله‌ی خود به در شرکتها می‌تواند پیشگویی برای مناطق  
تنامیب انرژی، اکتشاف و تولید می‌شود که این امر شاید  
شده‌ای در شمول حوضتات برای دهه ۱۹۹۰ می‌باشد.  
پهنی‌های دهه قبل درباردهی کز شد از ولایت نفت  
کشورهای خارج از اوپک بهلاستگردد. در بیشتر افریقا  
رشد خواهد داشت. بهرینتره پیشگویی، افریقای افریقا  
پهنی در مبره‌ای قیمتهای نفت، افزایش صادرات نفت در  
کشورهای خارج از اوپک به میزان یک میلیون بشکه در  
روز تا سال ۱۹۹۰ نشد است.

ریخی از ناظران با در نظر گرفتن احوال ارائه  
تخمین‌های کمتر از واقع می‌دانند که این افزایش  
می‌تواند برای هر سه تا سه و نیم میلیون بشکه نفت در روز  
شود. با این حال، این نظر کم‌الکلیت است و به نوبت قابل  
ملاحظه به رشد بیشتر اگادان مغایرت دارد. قیمتهای کم نفت،  
الزاماً به رشد صادرات نفت کشورهای خارج از اوپک تا  
پایان این دهه تأثیری نخواهد گذاشت. به ویژه اگر آمریکا،  
تهره در واردات به تاگزیر خلف در افزایش مبرج  
و بهره‌براری پیش رفته تر را در می‌خواهد داشت، به  
امرا گذارد. بعد از سال ۱۹۹۰ مسدود بازاری نفت از منطقه  
خارج از اوپک تاگزیر به علت کاهش سرمایه‌گذاری  
سرمایه‌ی تولید نفتی خواهد یافت ولی تصورات مغایرت  
کردی، ممکن است در میزان این کاهش میانه‌ی نماید.

انتظار روزی دهه ۱۹۹۰ ممکن است موجب تقادم سرمایه  
گذاری شود.  
پیش‌بینی کسی ما این است که عرضه‌ی نفت کشورهای  
خارج از اوپک به دور از ملاحظه مبرود به آنچه برای  
قیمت‌های نفتی خواهد بود. به میزان یک میلیون بشکه در روز  
افزایش خواهد یافت. چنانچه آمریکا تهره‌ای را برای نفت  
وارددهی به اجرا نگذارد، صادرات نفت کشورهای خارج از  
اوپک در سال ۱۹۹۰ ممکن است در سطح صادرات سال  
۱۹۸۵ بماند و با حد اکثر یک میلیون بشکه در روز  
کاهش خواهد یافت.  
۳- تعادل عرضه و تقاضا

این برآوردهای مختلف در باره اثر قیمتهای نفت بر  
میزان تقاضا و عرضه، اکثرین می‌تواند چنین پندی شود -  
رشد آنگاه تقاضا برای نفت بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ در  
حده قیمت‌های پایینتر از میلیون بشکه در روز افزایش  
می‌یابد و عرضه‌ی نفت کشورهای خارج از اوپک روزانه  
یک میلیون بشکه افزایش می‌یابد و تولید اوپک نیز در  
سال ۱۹۸۵ به طور متوسط ۱۶ میلیون بشکه در روز رشد  
می‌دهد. این بیان مفهوم بود که مبرود نفت اوپک در سال  
۱۹۹۰ روزانه به طله میلیون بشکه - در مقایسه با ۱۶  
میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ - افزایش می‌یابد.  
قیمتهای نفت و مستقیمه‌های مالی ثابت در کشورهای  
معدر سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه خواهد  
برای نفت در سال ۱۹۹۰ به میزان اضافی سه تا چهار میلیون  
بشکه در روز افزایش خواهد داد. صادرات نفت کشورهای  
خارج از سازمان اوپک را تا یک میلیون بشکه در روز  
کاهش می‌دهد. این، محتمل آن است که در مبره اوپک -  
سال ۱۹۹۰ به ۲۲ تا ۲۶ میلیون بشکه در روز در مقایسه با  
تولید سال ۱۹۸۵ که روزانه شانزده میلیون بشکه بود -  
افزایش یابد.

قیمتهای کمتر نفت که با احوال عرضه و مالیات و  
سنگین تر در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های  
اقتصادی و توسعه (استثنای ژاپن) خشی شود تقاضا  
برای نفت را با حد اکثر به میزان یک میلیون بشکه در روز  
افزایش می‌دهد. این خطا به افزایش خواهد داد و پیش‌بینی اولیه در مورد  
صادرات کشورهای خارج از اوپک افزایش را در هر  
نفراد داشت. در چنین صورتی، اگر تولید نفت اوپک در  
سال ۱۹۹۰ به رقم شانزده میلیون بشکه در روز - در مقایسه  
با تولید روزانه شانزده میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ - بالغ  
خواهد شد.  
این نتایج، چنین می‌آید که مزایای قیمتهای کم  
نفت برای کشورهای عضو اوپک نامشخص است. باید  
تاریک کرد که کشورهای صادرکننده نفت در خارج از  
اوپک، که در حد اکثر تولید خواهد مبرود، در بیشتر  
صورت قیمت‌های قیمتهای نفت با فقدان افزایش مبروه  
می‌شوند قیمت چاره‌ای برای جز تولید بیشتر وجود ندارد. این  
کشورهای عضو اوپک وضع به این حدنگر است. در  
آنگاه قیمتهای نفت در پاسخ به بهای کم تولید خواهد  
افزایش می‌دهد (میزان قیمت کزنی نفت در سطحی بین  
پایته با میجه دلار برای هر بشکه نفت شده است.)  
جدول جاده نشان می‌دهد که در مقایسه‌ی تریب حالت تولید  
افزایش آن به چهار ناضت میلیون بشکه - در قریب کاهش  
قیمت - خواهد بود. چنانچه کشورهای صنعتی به اندازه‌ی  
حاضرت - افریقا - متوسل شوند تقاضا برای نفت در سال  
۱۹۹۰ به سه میلیون بشکه بیشتر از حدی خواهد بود که در  
این صورت انتظار آن رود.  
افزایش آن در صورت عدم کاهش قیمت نفت اوپک در  
سال ۱۹۹۰ دوازده میلیون بشکه و در سال ۱۹۹۰ نیز ۱۷/۰  
میلیون بشکه در روز خواهد بود. بهرینتره، چنین حالت می‌باشد  
سازمان حاصل حداقل ۱۰ درصد و حد اکثر ۵۰ درصد افزایش  
صادرات پیش از حدود مورد انتظار برای سال ۱۹۹۰ می‌بود.  
افزایش برای فاصله این درسال نیز کمتر می‌شود.  
برای این که این نتیجه، نتیجه‌ی پایله‌ی این است  
عطف احتمالاً پیش از سال ۱۹۸۹ میسر خواهد بود و فقط  
نفراد نواست و این برآورد ناشی از قیمت‌های تازول نفت  
سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱ خواهد بود. چنانچه تقاضا برای نفت اوپک  
افزایشی بالنسبه کمتر از آنچه در حالت مطلوب ما

اوضاع باطله به نحو محسوستری پذیر خواهد بود. سطح این بحره و تحلیل آن است که استرالیا قیمت کربن نفت، استرالیا در میان مدت برای اوپک گران شده است و چون استرالیا برای کشتورهای واردکننده نفت به سطح از اوپک کمالات بدون از محقق است. به ویژه آن دسته از کشتورهای که به جوامع خود تعلق دارند براساس این نتیجه گیریها، یک استرالیا که قیمت نفت را در مقایسه با ۲۵ تا ۳۵ دلار برای هرینکه برساند چهار حداقل مطابقت جدول ۱: تقاضا برای نفت پویج فرضی متفاوت

| تقاضا برای نفت اوپک در سال ۱۹۸۵                                 | میلیون بشکه در روز-۱۶/ |
|---|------------------------|
| تقاضا برای نفت اوپک در ۱۹۹۰ (پارامی ثابت قیمت های سابق)         | ۱۶/۰                   |
| تقاضا در سال ۱۹۸۵   | ۲/۰                    |
| افزایش ناشی از رشد تولید ناخالص ملی                             | ۱/۰                    |
| جابجایی با استفاده از منابع غیر اوپک                            | ۱۷/                    |
| تقاضا برای نفت اوپک در ۱۹۹۰ (پارامی سلطه قیمت و بدون وضع تعرفه) | ۱۶/۰                   |
| تقاضا در سال ۱۹۸۵   | ۲/۰                    |
| افزایش ناشی از رشد تولید ناخالص ملی                             | ۲/۰-۱۷/                |
| جابجایی با استفاده از منابع غیر اوپک                            | ۱۷/                    |
| تقاضا برای نفت اوپک در سال ۱۹۹۰ (پارامی سلطه قیمت و وضع تعرفه)  | ۱۶/۰                   |
| تقاضا در سال ۱۹۸۵   | ۲/۰                    |
| افزایش ناشی از رشد تولید ناخالص ملی                             | ۲۷/۰-۳۳/               |
| جابجایی با استفاده از منابع غیر اوپک                            | ۱۷/                    |
|   | ۱۶/۰-۲۱/               |

خرامه بود این قیمت ها شامل زیان در نقد به صورت مدت است و به ندرت برای اوپک اثری تأثیر بر صورت افزایش تقاضا و کاهش صادرات کربن نفتی خارج از اوپک خواهد داشت. البتو بر سر قیمت های کربن نفتی تولید نا خرامه ۱۹۹۰ سوره برای قیمت های اوپک داشته باشد و خطر آن است که قیمت های لازم برای جبران صادرات دوری قبل. ممکن است بسیار طولانی شود. علیرغم این موضوع، قیمت های کشتورهای اوپک که امروز دارای ظرفیت اضافی هستند، می توانند تولید خود را در دهه ۱۹۹۰ برای ظرفیت بالاتر از سطح پایین سال ۱۹۸۵ افزایش دهند. کثیری این کشتورها تخمین کافی را برای آنکه در دهه بعد همچنان در بازار پیمانند دارا هستند. اختلاف نظری درون اوپک در مورد سرمایه ای قیمت گذاری، پیش بینی از ضرورت های آن کسب در آمد است و چندان برخی به میزان ذخایر نفت کشتورها ندارد.

### کسب قیمت های پایین و صنعت نفت

تا کنون برخی می گویند که قیمت نفت طی پنج سال آینده در حدی قیمت ثابت خواهد شد این فرضی برای تجربه و تحلیل آن امری حیاتی است. همان کسب قیمت در میزان نوسان تقاضا ضروری بود. تغییرات اقتصادی قیمت نفت پیچیده تر از آنسکه به زبان شرح زد مدام که صادرات با بهره قیمت به میزان تقاضای آن فرضی درازت نسبت به مصرفاً به ضرورت تولید کنندگان پسگامی دارد. در غیر این صورت قیمت ها دچار نوسان خواهد شد. نشت در کاهش گذاشته و به پایین ترین سطح خود خواهد رفت و سپس جوشی وارونه خواهد یافت و

پس از آن دوباره در به کاهش خواهد داشت که با کمترین نظمی این برپیش می آید. میزان انتظار داشت که کاهش این سال ملایمتر قیمت روانه در بازارهای نقد و نسیه باشد. اکنون هیچگونه قیمت کثندی خود کاری برای قیمت نفت در کوتاه مدت پیش از آنچه در میان زمین های از راهی طرحی و برود در وقت نسیه تا اوپک که هزینه نهایی استخراج نفت بسیار پایین است. مواد پالایشی برای کلیه موارد استفاده، سرمایه در ضرورت نیست. باید قیمت نفت می تواند در یک هفته بسیار و همچنین برای آینده همواره در دراز مدت قیمت ثابت تعادل خواهد بود. همچنین تا تأثیر آن خلیف و حاشیه ای است. عوامل نفت نسیه و تولید ثابت چنانچه را در کوتاه مدت برای قیمت نفت در امرهان نسیه آورند.

هر کسب تعرفه ها یا سایر تغییرات حمایت گرانانه بازار گانی، موجب تقسیم بندی بازار جهانی نفت خواهد شد و متعاقباً در آن نفت به شکل ارزانه تر برای وارد کننده

### به شرکتهایی در

### مناطق نامناسب دریای شمال به

### تولید نفت اقدام می کنند مبالغ

### چشمگیری، کسک پرداخت

### می شود

می سازند و این تصمیم بندی، احتمالاً موجب نوسانات شدیدتر قیمت می شود. صنعت نفت باید در جهانی به حیات ادامه دهد که نفت در آن مانند مواد خام معمولی دیگر در نظر گرفته می شود.

آنها که با این صنعت سر و کار دارند معتقدند که می توانند چنین نظمی را بیاموزند و احتمالاً کلیه این ناملایمات را پشت سر گذرانند. بازارها همچنان گسترش خواهند یافت و عملکرد آنها متنوع خواهد شد. برخی نظریه سنجین کسب کسب از کسب خواهد بود و با ویژگی های نظیر پتانسیه جهانی که در آن روش های حمایت گرانانه بکار می رود. وقتی صنعت

قیمت های کسب، در نهایت موجب افزایش تقاضا خواهد شد و این صنعت، بدون تردید شاهد تقاضای در سطح کلی بازارهای خود استقبال خواهد کرد.

قیمت های کسب نفت ممکن است مانع از سرمایه گذاری شود. ولی همین میزان اثر آن دشوار است. چنین اتفاقی می افتد. همچنین موجب ترک سرمایه صنعتی خواهد شد و برخی از شرکت های کوچک ممکن است از میان رفته و برخی اقدام با صورت بپذیرد.

صنعت نفت تاگزیر باید به کارایی بیشتری دست یابد. در سرمایه گذاری در زمینه کاشف نفت، شرکت های تازه است و بنابراین فرصت های مختلفی از لحاظ کسب هزینه و تکنولوژی پیشرفته و برود دارا اطمینان از این نکته که حمایت استخراج به عنوان یک منبع اساسی سوخت است. علاوه بر این، سرمایه صنعتی تقریباً می شود.

افزایش تقاضا برای نفت کوره که ناشی از جابجایی نفت به پای ذغال خواهد بود. ممکن است اثری کمتری و نقصانده پالایشی نفت و فرآورده های آن داشته باشد. باید تبدیل های تازه، در زمینه سوختی صنعتی فلهه صورت گیرد.

صنعت نفت، به هنگام رویارویی جبهه جهانی با سره های نفتی، باید بکار خود ادامه دهد. این امر در سالهای ۱۹۷۲ و در سالهای ۱۹۷۳، مشهود بود. چنین تکراره که کشور خود را این رویه ها در سال ۱۹۸۵ متلاطم خواهد بود. فرکانسهای که دارای مانده تقهیهای مختلف است و بیشتر از تسهیلاتی مطلوب تطابق (تولید و تقاضا) برخوردارند. این مواردی که برتری نسبی رفاه آنها دیگران افزایش خواهد یافت. ارزشی در واقع بهبود، زیرا این مستعد تر است باید در برابر کاهش مطلق سود و کاهش صورت موجودی شرکت ها در ترانزاکشن قرار گیرد.

### ۶. نتایج

شرایط نقدی سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ در آمریکا از کشتورهای وارد کننده نفت و کشتورهای صادر کننده نفت منطقی ساختن سلطه قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ همین انتظار درآمد از منتفی در جهت عکس سبب خواهد شد. مسئله، اساساً در بازی توزیع بین المللی درآمد است. هیچ امر صحیح و غیر فاضل وجود ندارد. به جز بسته به این که در هنگام طرف دراز شده باشد. چنین تقاضایی صادر کنندگان نفت با علاقه وارد کننده نفت مطابقت دارد و هیچ منطقی این واقعیت اساسی را در گردن نمی کشد. کشتورهای صادر کننده نفت خارج از اوپک به هنگام تزلزل بهای نفت درآمد خود را از دست می دهند. کشتورهای عضو اوپک نیز با همین مسئله برای مدتی مواجه خواهند بود ولی صنعت آن سود آری در دهه ۱۹۹۰ دریافت نمایند. اگر برای کشتورهای صادر کننده نفت خارج از

### اختلاف نظرهای درون

### اوپک پیرامون استراتژی قیمت،

### بیشتر به ضرورت های آنی کسب

### درآمد مربوط به نه به

### میزان ذخایر کشورها.

اوپک گزیری بود می گویند مانع از کاهش قیمت شوند. کشتورهای طرف اوپک انگیزه ی متفاوتی دارند که آنها پائین را که در دهه ۱۹۹۰ برای آن انتظار دارند. ارزش اضافی جدید درآمد خود را خواهند داشت یا خیر؟

توجهی مشقایی می خواهد بماند که در روزهای که در پیش است، چه روی درآمد داد آیا اوپک ابتکار عمل را به دست خواهد گرفت؟ و آیا کشتورهای صادر کننده نفت همواره قیمت ثابت، لازم است باقیمانده کنندگان نفت خواهد کرد اما صرفاً اصلی کلی را بازرگانی کسب.

همچون سایر مسائل مربوط به امر توزیع، قدرت بازار در نهایت قیمت کثندی می باشد. برخی حسی درباره ی حاصل لایقایی کشتورهای عضو اوپک و خارج از این سازمان درباره ی قیمت ثابت، لزوم است باقیمانده کنندگان نفت همواره در چه قدرتی برای ارائه ارضاع برخوردار ولی این موضوع، به صورت به باوری است. که پیرامون آن می توان

توجهی، با این افراد صاحب نظر انتظار داشته

- ۱) کشتورهای صنعتی و غیره آمریکا با ابعاد تفره های گرمی که برتق وارداتی، ضمن سوخت و درآمد های و برای دولت، بخش بسیار را در داخل بالا نگه می دارند تا از تولیدات داخلی نفت و نفت در ارضه، بر واقع بین های نفت وارداتی و هزینه تولید نفت از این تولید است. در کشتورها هزینه تولید یک بشکه نفت نسبت به کشتورهای عضو اوپک بسیار پائین است. البته کشتورهای صنعتی در اجزای چین سیستمی با مشکل روبرو هستند زیرا در خلاف نظام گات برود و یک ابعاد اقتصادی حمایت گرانه محسوب می شود.
- ۲) Spot Market بازار فروش نفت که معمولاً در آن در تحویل فوری و بصورت نقدی انجام می پذیرد.
- ۳) Futures Market به بازار فروش نفت در تاریخ و نسیه میروند. بازاری است که در آن تلاش می شود تا تاریخ معینی در آینده عرضه می شود.
- ۴) در این زمینه فرقه و تقاضای جهانی نفت در اختیار شرکت های نفتی بود و در نتیجه کنترل بازار نفت در سطح جهان کار دشواری بود.

WTI West Texas Intermediate (S)

### مشخصات مقاله در مآخذ اصلی

Robert Mabro, "The Impact of Low Oil Prices on Demand, Supplies and the Petroleum Industry", nonition paper no. 1, Oxford Institute for Energy Studies, 1986.